

مجموعه های پتروشیمی موجود کشور باید به تدریج از طریق سرمایه گذاری مشترک با کشورهای دیگر بویژه کشورهایی که توان مشارکت بدون توجه به تحریم های آمریکا یا محدودیت های شورای امنیت را دارند، توسعه یابند

دعوت از شرکت ها و سرمایه گذاران چینی برای انجام سرمایه گذاری مشترک در صنعت پتروشیمی ایران است.

مجموعه های پتروشیمی موجود کشور باید به تدریج از طریق سرمایه گذاری مشترک با کشورهای دیگر بویژه کشورهایی که توان مشارکت بدون توجه به تحریم های آمریکا یا محدودیت های شورای امنیت را دارند، توسعه یابند. چنین مشارکتی مزایای متعددی دارد: انتقال فناوری های نوین، تأمین منابع مالی، بهره گیری از نرم افزارها و شیوه های مدیریتی مدرن و در نهایت دسترسی به بازارهای مطمئن تر و افزایش سهم ایران در بازارهای جهانی.

این سرمایه گذاری مشترک می تواند در پروژه های جدید انجام شود یا حتی در پروژه های فعلی، بخشی از سهام مجموعه ها به شرکت های خارجی منتقل شود تا امکان مدیریت و بهره برداری مشترک فراهم آید. چین در این زمینه گزینه بسیار مناسبی است، زیرا دارای فناوری های پیشرفته بوده و برخی رقبا پیش از این با این کشور همکاری کرده اند؛ به عنوان نمونه، بخش پتروشیمی عربستان و شرکت آرامکو با همکاری شرکت های ژاپنی و چینی، سرمایه گذاری مشترک انجام داده اند و همین کشورها نیز در پروژه های متقابل در چین و عربستان سرمایه گذاری کرده اند. ایران نیز باید استراتژی مشابهی را دنبال کند؛ هم با جذب مشارکت کشورهای خارجی در داخل ایران و هم با سرمایه گذاری در مجموعه های پتروشیمی خارج از کشور، بخشی از سهام این مجموعه ها را خریداری کند. با این روش، می توان بخشی از شکاف موجود با رقبا را جبران کرد و توان رقابتی صنعت پتروشیمی کشور را ارتقا داد.

■ چه میزان از چالش های فناوری در صنعت پتروشیمی ناشی از ضعف مدیریتی و ساختاری در شرکت های تخصصی است و چقدر ناشی از تحریم ها؟

ضعف مدیریت داخلی ما تا حد زیادی ناشی از تحریم ها و عدم بین المللی شدن صنعت پتروشیمی کشور است. بین المللی شدن این بخش باعث شده نرم افزارها و شیوه های مدیریتی ما به روز نباشند و در نتیجه نتوانیم همانند شرکت های جهانی که با استفاده از روش های دیجیتال و هوش مصنوعی، نوعی حکمرانی شرکتی مدرن را اعمال می کنند، مدیریت خود را هماهنگ و کارآمد کنیم. بنابراین می توان گفت این ضعف مدیریت، هم ریشه در تحریم ها دارد و هم در محدودیت ارتباط با تحولات و استانداردهای جهانی. تصور اینکه مدیران داخلی بدون ارتباط با جهان و جریان های مدیریتی بین المللی بتوانند مدیریت روزآمد جهانی داشته باشند، فرضی بسیار سست است. امکان دارد در موارد استثنایی چنین اتفاقی رخ دهد اما به طور معمول، زمانی که مدیران ما در فضای همکاری و مشارکت های بین المللی حضور ندارند، نوع حکمرانی و مدیریتشان با ضعف های جدی مواجه می شود. از این منظر می توان ضعف مدیریت داخلی را ناشی از عدم بین المللی شدن صنعت پتروشیمی دانست و اهمیت برقراری ارتباطات بین المللی و مشارکت های جهانی برای ارتقای توان مدیریتی این بخش را برجسته کرد.

■ دیپلماسی فناوری در چهارچوب سیاست خارجی ایران چه جایگاهی دارد و چگونه می تواند به ابزار مکمل دیپلماسی انرژی تبدیل شود؟

نکته مهم در سیاست خارجی ما این است که تا چه اندازه آمادگی داریم از امتیازات و ظرفیت های سیاست خارجی برای تأمین اهداف اقتصادی کشور استفاده کنیم. اگر این آمادگی وجود داشته باشد،

یکی از اهداف اقتصادی کشور که باید در اولویت قرار گیرد، ارتقای فناوری در تمام بخش های اقتصادی است.

در حال حاضر فناوری های بخش نفت و گاز نیازمند به روزرسانی و مدرن شدن هستند و سایر بخش ها نیز وضعیت مشابهی دارند. دستیابی به این هدف بدون اتخاذ یک استراتژی در همکاری های بین المللی امکان پذیر نیست.

هرچند همکاری های بین المللی در شرایط تحریم در حداقل خود قرار دارد، با این حال ما می توانیم از دو کانال بهره ببریم: اول، کشورها یا شرکت هایی که ما را تحریم نکرده اند یا به رغم تحریم های موجود آمریکایی و غربی، آمادگی همکاری با ما را دارند و دوم، استفاده از مشارکت های بین المللی برای انتقال فناوری و منابع مورد نیاز. اگر بتوانیم از ظرفیت سیاست خارجی برای تأمین این اهداف استفاده کنیم، می توان این رویکرد را «دیپلماسی فناوری در سیاست خارجی» نامید؛ یعنی به جای آنکه صرفاً از منابع اقتصادی برای تأمین اهداف سیاست خارجی بهره ببریم، سیاست خارجی خود را به ابزاری برای تقویت اقتصاد و توانمندی فناوری کشور تبدیل کنیم.

در حال حاضر جایگاه سیاست خارجی در این زمینه چندان قوی نیست، زیرا عمدتاً درگیر مسائل سیاسی و هسته ای است و کشور در وضعیتی میان جنگ و صلح قرار دارد. بنابراین نمی توان باز اضافی برای اجرای دیپلماسی فناوری بردوش آن گذاشت و تنها می توان از ظرفیت کشورهایی که روابط خوبی با ایران دارند، استفاده کرد. راه دیگر، تلاش برای کاهش یا رفع تحریم ها است. با این حال دور زدن تحریم ها به تنهایی فرصت لازم را برای اجرای دیپلماسی فناوری و حتی دیپلماسی اقتصادی فراهم نمی کند و بیشتر موجب درگیری و محدودیت می شود تا توسعه واقعی. بنابراین استفاده هوشمندانه از سیاست خارجی برای تقویت فناوری و اقتصاد کشور بدون ایجاد تنش های اضافی ضروری است.

■ نقش نهادهای مالی و بانکی داخلی در تأمین مالی پروژه های فناورانه پتروشیمی چیست و چگونه می توان تأمین نظام مالی این بخش ها را با ریسک پذیری بیشتری همراه کرد؟

نهادهای مالی کشور در این زمینه شامل بانک ها و بازار سرمایه هستند اما بیشترین تکیه اقتصاد ما بر تأمین منابع مالی از طریق بانک ها است و سهم بازار سرمایه کمتر است. با توجه به نوساناتی که این بازار تجربه کرده است، هنوز نمی توان به آن به عنوان یک منبع مالی پایدار و بلندمدت اعتماد کرد و مردم نیز در این زمینه اعتماد کامل ندارند. با این وضعیت، می توان گفت ظرفیت نهادهای مالی داخلی چه بانک ها و چه بازار سرمایه، برای تأمین مالی پروژه های بزرگ پتروشیمی کافی نیست. بنابراین ضروری است این منابع با مشارکت های بین المللی و استفاده از منابع خارجی ادغام شوند تا امکان تأمین مالی پروژه های بزرگ فراهم شود. در نتیجه در شرایط فعلی نقش نهادهای مالی داخلی بیشتر محدود به تأمین سرمایه در گردش مجموعه های پتروشیمی است و توانایی تأمین مالی پروژه های کلان و تحقق اهداف بلندمدت این بخش را ندارند. برای رسیدن به این اهداف، بهره گیری از منابع بین المللی و مشارکت های جهانی امری اجتناب ناپذیر است.

■ به نظر شما آیا ساختار فعلی همکاری های اقتصادی و سیاسی ایران با کشورهای منطقه از ظرفیت لازم برای انتقال دانش فنی و تجهیزات پیشرفته به کشور برخوردار است؟

ساختار فعلی همکاری اقتصادی و سیاسی

